

تأثیر تحولات بحرین پس از بیداری اسلامی بر ساختار و سیاست‌های سیاسی - امنیتی شورای همکاری خلیج فارس

اردشیر سنائی *

چکیده:

تحولات بحرین پس از بیداری اسلامی آزمایش خوبی برای محک‌زدن توازن قدرت در خلیج فارس و خاورمیانه بود و به نظر این تحولات تأثیرات مهمی بر منطقه و بازیگران آن داشته است. شورای همکاری خلیج فارس از این تأثیرات مستثنی نبوده است. وقوع اعتراضات و تداوم آن در سطحی گسترده در بحرین، نشان دهنده وضعیت خاص و متفاوت آن در میان کشورهای عضو شورای همکاری بود. وضعیتی که بررسی آن ریشه‌ها و ابعاد تحولات اخیر را واضح‌تر مشخص می‌نمود. با توجه به اهمیت تحولات بحرین در سطح منطقه، تأثیر تحولات آن کشور بر ساختار و سیاست‌های سیاسی - امنیتی شورای همکاری خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفت. سوالی که این مقاله به دنبال پاسخ به آن بود عبارت بود از اینکه: تحولات بحرین پس از بیداری اسلامی بر ساختار و سیاست‌های سیاسی - امنیتی شورای همکاری خلیج فارس چه تأثیری گذاشت؟ و در نهایت

*. استادیار روابط بین الملل دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
(نویسنده مسئول: lardeshir_sanaie@yahoo.com)

مقاله مطرح کرد که تحولات بحرین باعث تغییرات ساختاری در شورای همکاری
خلیج فارس از جمله بحث افزایش اعضای آن و نیز تغییر سیاست‌های سیاسی -
امنیتی آن شورا گردید.
واژه‌های کلیدی: بحرین، تحولات خاورمیانه، بیداری اسلامی، شورای همکاری
خلیج فارس.



بحرین با توجه به زمینه‌های تاریخی خاص خود در پیامد روند منطقه‌ای خیزش‌های مردمی در جهان عرب دچار بحران عمیقی شد که از ماه فوریه ۲۰۱۱ می‌لادی تاکنون تداوم داشته است. اما این بحران و پیامدهای مربوط به آن تنها به مرزهای این کشور محدود نشده و ابعاد منطقه‌ای بالایی پیدا کرد. شورای همکاری خلیج فارس هر گونه تغییر در بحرین را از چند منظر به عنوان تهدیدی برای رژیم‌های سیاسی اعضاء می‌داند و بر این اساس نگران خیزش مردمی در این کشور است. بحرین همواره بعد از استقلال، شاهد قیام‌های متعدد بوده است. قیام سال ۱۹۹۱ به این نتیجه ختم شد که بین امیر، حمد بن عیسی، و احزاب مخالف توافقی درباره بازگشت تبعیدیان و آزادی زندانیان سیاسی به دست آید. سرانجام در ۴ فوریه ۲۰۰۲ قانون اساسی جدید به تصویب رسید، با این حال، توافق با اپوزیسیون لغو شد و امیر بحرین خود را پادشاه خواند و همه امتیازاتی را که داده بود پس گرفت. بر اساس قانون اساسی جدید، بحرین دارای دو پارلمان ۴۰ نفری شد که اعضای مجلس اول را مردم و اعضای مجلس دوم را پادشاه تعیین می‌کند. در این صورت حتی اگر مخالفان بتوانند دو سوم پارلمان منتخب را به دست آورند، پادشاه ۴۰ عضو پارلمان انتصابی را در مقابل آنها قرار می‌دهد. هر قانونی باید به تصویب اکثریت این ۸۰ نفر برسد و روشن است که طرفداران پادشاه در این حالت اکثریت را دارند. علت اصلی مخالفت نظام بحرین با اصلاحات سیاسی در همین امر نهفته است. بیش از ۷۰ درصد مردم بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند و دولت در یک دهه اخیر، برای تغییر بافت جمعیتی، به بیشتر خارجی‌های مقیم این کشور از جمله عراقی‌ها، پاکستانی‌ها و بنگلادشی‌ها تابعیت داده است. پادشاه بحرین سعی کرده است خیزش مردم پس از بیداری اسلامی را به مشکلی امنیتی تبدیل کند. وجود این مسائل و در کنار آن دخالت شورای همکاری در

بحران بحرین از طرفی و حمایت قدرت‌های بزرگ از پادشاه بحرین به علت داشتن منافع طولانی‌مدت از سوی دیگر، باعث پیچیده شدن بحران بحرین گردیده است. در این مقاله بحران بحرین پس از بیداری اسلامی و تأثیر آن بر ساختار و سیاست‌های سیاسی-امنیتی شورای همکاری خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌گیرد. سوالی که این مقاله به دنبال پاسخ به آن است عبارت است از اینکه: تحولات بحرین پس از بیداری اسلامی بر ساختار و سیاست‌های سیاسی-امنیتی شورای همکاری خلیج فارس چه تأثیری گذاشت؟ فرضیه مقاله آن است که تحولات بحرین باعث تغییرات ساختاری در شورای همکاری خلیج فارس از جمله بحث افزایش اعضای آن و نیز تغییر سیاست‌های سیاسی-امنیتی آن شورا گردید.

۱. جنبش‌های اخیر خاورمیانه

انقلاب‌های اخیر عربی مسائل زیادی را روشن کرده‌اند. این انقلاب‌ها، رخدادی بوده‌اند که گشاینده وضعیت جدیدی است. وضعیت این کشورها را می‌توان انقلابی تعبیر کرد. مسلم است که هم اکنون در منطقه در یک وضعیت بحرانی هستیم. بحران نئولیبرالیسم به عنوان یک مرحله از جهانی‌شدن کاپیتالیسم، بحران پایه‌های سیستم کاپیتالیستی، بحران تمدن غرب و هژمونی آن نشان می‌دهد که این مسئله تنها یک بحران به معنایی که لنین^۱ و آنتونیو گرامشی^۲ تعبیر می‌کردند نیست: به این صورت که «وضعیت انقلابی یعنی وقتی که توده فرودست دیگر نمی‌خواهد تحت سلطه قرار گیرد و طبقه حاکمه نیز دیگر نمی‌تواند حکومت کند.» (Massiah, 2011: www.cetri.be). بلکه موضوع اصلی عبارت است از تأیید خواسته‌های اساسی مردم: مسائل اجتماعی، رد فساد، آزادی و استقلال. یعنی تأیید تناقض موقعیت کنونی: گستردگی تضادهای اجتماعی می‌ان طبقات فرودست و الیگارشی، انفجار نابرابری‌های اجتماعی و فساد، تضادهای ایدئولوژیک پیرامون مسئله اصلی یعنی آزادی و تضادهای اکولوژیکی پیرامون مواد خام، آب و خاک و مانند آن را نمی‌توان نادیده گرفت. این جنبش‌ها نشان داده‌اند که الیگارشی، طبقه حاکمه را از توده مردم کاملاً مجزا کرده است. آنها با تکیه بر پلیس و سرویس‌های اطلاعاتی قدرت را برای خود حفظ کرده‌اند. فساد که نتیجه تمرکز ثروت افسانه‌ای در دستان الیگارشی است ثمره

1. Lenin

2. Antonio Gramsci

ساختاری نئولیبرالیسم است و برای اقتصاد و سیاست جهانی آفت است (Lakehal, 2011: 118).

موضوع بعدی در مورد این جنبش‌ها این است که نسل جدید با روش خود، شعله‌های انقلاب را مجدداً برافروخته است. منظور از جوانان، اشاره به یک گروه سنی نیست که تنها موقعیتی را خلق کرده و یا آنرا تغییر می‌دهد؛ بلکه اشاره به بخشی از جامعه تحصیل کرده دارد که به فرار مغزها و بیکاری جوانان منتهی می‌شود. جوانان تحصیل کرده بیکار، پیوند جدیدی می‌ان بچه‌های طبقات فرودست جامعه و طبقات متوسط ایجاد می‌کنند. این نسل جدید، فرهنگ سیاسی جدیدی می‌سازد. آنها چگونگی ارتباط می‌ان ساختارهای اجتماعی را تغییر می‌دهند. نسل جوان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، شکل‌های جدید سازمانی را تجربه می‌کند و می‌کوشد صورت‌های جدیدی از خودسازماندهی و برابری اجتماعی را تجربه کند. او می‌کوشد در موقعیت‌های مختلف، تمایز می‌ان جنبش و فعالیت سیاسی را معنا کند و یادآور این جمله از فرانتس فانون^۱ است که «هر نسل می‌بایست رسالت خود را پیدا کند، که یا به آن عمل کند و یا به آن خیانت ورزد.» موضوع بعدی مسئله دموکراتیزه‌شدن در شرق است. با در نظر گرفتن مسائلی که در این منطقه از جهان رخ داده است، این سوال مطرح می‌شود که چگونه در یک مرحله خاص، مردم دیگر از انقلاب و طغیان نمی‌ترسند؟ قیامی که در منطقه صورت گرفت، از هویت دیکتاتورهای پرده برداشت که قدرت خود را با حمایت غرب به دست آورده و حفظ کرده بودند. ماحصل این انقلاب، کنارزدن نقاب‌ها و ایجاد آگاهی بود و پایان بخشیدن به ناممکن‌ها (Acimandos, 2013: 41). دموکراتیزه‌شدن در اینجا نیز همانند سایر مناطق، در یک مقیاس فرهنگی - جغرافیایی رخ می‌دهد. اما این مقیاس منطقه‌ای از ملی بودن برخی رخدادهای نمی‌کاهد. در مقیاس ملی است که روابط با سایر دول و موسسات و جوامع سیاسی تعریف می‌شود، با این حال مقیاس منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موضوع بعدی این است که دوره جدید، مرحله جدیدی از استعمارزدایی را ممکن می‌سازد. نئولیبرالیسم با حمله شدید به نخستین مرحله استعمارزدایی آغاز شد. نواستعمارگرایی متشکل از قدرت‌های استعماری پیشین بود که بازار جهانی و دسترسی به مواد خام اولیه و ارزان را در انحصار خود داشتند. نواستعمارگرایی با تکیه بر رژیم‌های

سرکوب‌گر کشورهای تازه‌استقلال یافته‌ای صورت گرفت که از ویرانه‌های پیوند ملی می‌ان توده مردم و طبقه نخبگان برخاستند، تا دیگر مردم جنوب آنها را در مورد بیکاری، عدم امنیت، فقدان خدمات عمومی و حمایت اجتماعی مورد سوال قرار ندهند. مرحله جدید استعمارزدایی یعنی عبور از استقلال به مرحله‌ای که مردم، خود سرنوشت خود را تعیین کنند، همان‌گونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است (www:2011:Massiah, cetri.be).

۲. بحرین و تحولات آن

بحرین در طول تاریخ خود مسیر پرفرازونشیبی داشته است و به علت اهمیت ژئوپلیتیکی، منازعات بسیاری را شاهد بوده است. این کشور بعد از جدایی از ایران روند پیچیده‌ای را طی کرده است به طوری که حکومت پادشاهی و دیکتاتوری اقلیت سنی بر اکثریت شیعیان این کشور، محو دموکراسی و توسعه سیاسی را باعث گردیده است. شکل‌گیری تحولات اخیر خاورمیانه، خیزش ملت این کشور را نیز باعث گردید. بحرین که به علت حضور در شورای همکاری خلیج فارس تحت نفوذ عربستان و دیگر کشورهای عضو این شورا بوده است با رسیدن تاثیر تحولات بهار عربی به آن، تاثیرات متقابلی بر کشورهای عضو شورا داشته است.

بحرین از جمله کشورهای کوچک ولی با اهمیت منطقه خلیج فارس است. سیستم سیاسی این کشور از نوع پادشاهی بوده و در ۱۵ اوت ۱۹۷۱ استقلال یافت. بحرین تا قبل از این تاریخ، یکی از استان‌های ایران بود (CIA-the world factbook-2008).

بحرین از برخی جهات دارای شاخص‌های بسیار مثبت در منطقه خاورمیانه است. به عنوان مثال در زمینه تولید آلومینیوم در منطقه خاورمیانه، رتبه اول را داراست. همچنین از جهت نظام اقتصادی و آزاد بودن آن در بین کشورهای خلیج فارس رتبه اول را دارا می‌باشد (میررضوی و احمدی‌لفور کی، ۱۳۸۳: ۱۷۲). بحرین همانند کویت به سمت آمریکا و کشور بزرگ همسایه یعنی عربستان سعودی برای محافظت در مقابل ایران روی آورده است. بحرین، می‌زبان قسمت اعظم ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا است. نیروهای نظامی بحرین توسط تسلیحات تجهیز و توسط نیروهای آمریکایی تعلیم می‌یابند. در همان حال، بحرین روابط نزدیکی با ارتش عربستان و نیروهای امنیتی آن دارد که می‌تواند در موارد

اضطراری درخواست کمک کند. آمریکا منافع استراتژیک فراوانی در بحرین دارد چرا که بحرین موقعیت ویژه‌ای در خلیج فارس دارد و به دنبال یک ضمانت برای ادامه حمایت آمریکا از طریق می‌زبانی بزرگترین پایگاه نیروی دریایی آمریکا در منطقه است (Allison, 2010: 24). موقعیت استراتژیک بحرین با ایجاد ارتباط زمینی با خاک عربستان سعودی از طریق احداث پل ملک فهد^۱ به طول ۲۵ کیلومتر که در سال ۱۹۸۶ افتتاح شده است، نقش موثری را در زمینه‌های مختلف ایفا کرده است. از منظر دیگر موقعیت جغرافیایی خاص بحرین در خلیج فارس و نقش آن به عنوان پل ارتباطی می‌ان اروپا و خاور دور، اروپا و هند، خاور دور و شبه قاره هند، خلیج فارس و کشورهای عربی و سایر کشورهای خاورمیانه از گذشته تاکنون، اهمیت ویژه‌ای به آن بخشیده است. نزدیکی بحرین به کشورهای دیگر عضو شورای همکاری بر جذابیت این کشور برای سرمایه‌گذاری خارجی و ارتباط با بازارهای بزرگ جهانی افزوده است (میررضوی و احمدی‌لفورکی، ۱۳۸۶: ۱۷۳). اگرچه بحرین هنوز ۶۰ درصد درآمد خود را از صادرات نفت و محصولات نفتی تامین می‌کند، همچنین ۶۰ درصد درآمد دولت و ۳۰ درصد GDP آن از طریق استخراج نفت حاصل می‌شود؛ اما منابع نفت و گاز آن به شدت رو به پایان است. امروزه بحرین تنها با کمک‌های عربستان قادر به استخراج و تصفیه نفت و تامین صادرات محدود خود می‌باشد. چرا که عربستان سعودی سهم مازادی از می‌ادین نفتی ابوصفه را در اختیار بحرین گذاشته است (Cordesman and Al-Rodhan, 2006: 4).

اصلاحات در بحرین همزمان با به قدرت رسیدن شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه آغاز گردید. وی که با درگذشت پدرش در سال ۱۹۹۹ به امیری بحرین رسید، دوره‌ای از اصلاحات را شروع کرد. او در راستای تحقق این امر، یک‌سوم زندانیان سیاسی را آزاد کرد و اجازه داد تبعیدشدگان بحرینی به کشور بازگردند. وی همچنین با تغییر در ترکیب مجلس مشورتی این کشور، چندین زن را به عضویت مجلس منصوب کرد و با تشکیل کمیته‌ای ۴۶ نفره، راه را برای تدوین منشور ملی اصلاحات هموار کرد (روزنامه ایران، ش ۲۴۲۷، ۱۳۸۲).

جنبش‌های مردم بحرین از زمانی آغاز شد که انگلستان رسماً در ۱۸۹۲ سلطه کامل استعماری خود را بر این سرزمین برقرار کرد. انگلستان قبلاً قراردادهای گوناگونی با حکام

1. King Fahd Causeway

بحرین امضا کرده بود و هربار آن سرزمین را یک گام به سوی چیرگی کامل استعمار خویش نزدیک‌تر می‌ساخت. نخستین سرکشی و قیام عمومی مردم در مارس ۱۸۹۵ بر ضد شیخ عیسی بن علی رخ داد. در آن هنگام نماینده سیاسی انگلستان، سرهنگ آرنولد ویلسن از مسقط وارد بحرین شد. ابتکارات سرهنگ ویلسن منجر به مهاجرت قیام‌کنندگان در محرم ۱۳۱۳ (ژوئیه ۱۸۹۵) به زبارة در شمال باختری قطر شد. مهاجرت این گروه به زبارة، سبب برخوردهای شدیدی می‌ان حاکمان بحرین و شیوخ آل ثانی در قطر گردید. همین برخوردها بود که سرانجام موجب عقد قرار داد تحت‌الحمایگی با آل ثانی و تولد شیخ‌نشین قطر شد (کتاب سبز بحرین، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

اما بعد از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱، اولین زورآزمایی با حکومت در اوت ۱۹۷۹ انجام گرفت. نزدیک به ۱۸۰۰ نفر از شیعیان بحرین در بازار قدیمی منامه دست به تظاهرات وسیعی زدند، واکنش دولت در مقابل این تظاهرات، اخراج یک شیخ شیعی به نام «حجت‌الاسلام سیدهادی مدرسی» در اکتبر همان سال و بازداشت و تبعید اغلب مخالفین بود. در حالی که بحرینی‌ها فقط خواهان احیای مجلس منحل شده و احیای حقوق حقه خویش بودند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۵۸). با توجه به اقدامات دولت و پادشاه این کشور در قبال شیعیان و نیز نبود دموکراسی و آزادی بیان، این روزها شاهد موج عظیمی از اعتراضات مردمی در این کشور می‌باشیم؛ این اعتراضات که از سال‌ها پیش آغاز شده بود مانند، آتش زیر خاکستری است که این روزها سربرآورده است.

۳. روند تحولات بحرین پس از بیداری اسلامی

تغییراتی که از ژانویه ۲۰۱۱ در کشورهای عربی رخ داد، همه ناظران را شگفت زده کرده است. به دنبال این شعف اولیه می‌بایست عواقب بعدی این تحولات را در نظر گرفت و آنرا مورد بررسی قرار داد. آیا می‌توان در یک کشور عربی، یک جامعه دموکراتیک ساخت؟ واضح است که این امر بسیار دشوار خواهد بود، چرا که این کشورها نیازمند چندین سال تخریب و نوسازی بر اساس ارزش‌های عربی-اسلامی هستند. صداهای برخاسته در کشورهای عربی و درخواست برای استقرار دموکراسی یادآور فریادهایی است که در اواخر دهه ۵۰ برای درخواست استقلال شنیده می‌شد، در آن زمان استقلال به عنوان تنها راه رهایی از انحطاط و رسیدن به پیشرفت بود (Lakehal, 2011: 3).

با شروع بهار عربی در خاورمیانه ناآرامی‌های سیاسی در بحرین نیز متأثر از تحولات دیگر کشورهای خاورمیانه از جمله تونس، مصر، اردن، یمن و لیبی آغاز شد. می‌دان لؤلؤ در منامه پایتخت بحرین نماد اعتراضات مردمی و محل تجمع معترضین بود. سیاست تبعیض مذهبی، خفقان سیاسی و درخواست عدالت اجتماعی از عمده‌ترین دلایل شکل‌گیری جنبش اعتراضی بحرین تلقی می‌شود. بازگشت افراد تبعی‌دشده، لغو ممنوعیت تشکیل احزاب و فعالیت‌های سیاسی مذهبی، مبارزه با بیکاری، تدوین قانون اساسی جدید، آزادی بیان و مطبوعات و لغو سانسور مهمترین خواسته‌های سیاسی مردم بحرین را تشکیل می‌دهند.

رژیم آل خلیفه از همان ابتدا تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم را تاب نیاورد و معترضین را به خاک و خون کشید. قلع و قمع بی‌حد و حصر معترضین مانع از قیام مردمی نشد و دامنه این اعتراضات تا جایی پیش رفت که رژیم آل خلیفه، دست به دامان کشورهای عرب منطقه شد. به طوری که عربستان و امارات نیروی نظامی برای سرکوب هر چه بیشتر معترضین به منامه اعزام کردند. شکنجه، توقیف روزنامه‌ها، بازداشت رهبران مخالف و شلیک مستقیم گلوله به معترضین از جمله روش‌های سرکوب توسط رژیم آل خلیفه محسوب می‌شود.

در خصوص روابط خارجی رژیم آل خلیفه باید به روابط ویژه با عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس اشاره کرد. خاندان آل خلیفه در اصل از قبایل ساکن سرزمین نجد عربستان هستند و پیوند سببی آل خلیفه با آل سعود این مناسبات را به اوج خود رسانیده است. همچنین بحرین از نظر جمعیتی دارای اکثریتی از شیعیان است که می‌تواند برای عربستان که در آن شیعیان به صورت یک اقلیت تحت ظلم زندگی می‌کنند، خطرناک باشد. بین شیعیان بحرین و عربستان سعودی از دیرباز ارتباطاتی وجود داشته و هر گونه پیروزی شیعیان در بحرین می‌تواند بر امنیت ملی عربستان تأثیرگذار باشد. همچنین نوع حکومت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان، عشیرگی و خاندانی است و با بافت اجتماعی و مسائل عصر جدید تناسبی ندارد (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۲۵۶).

این رژیم‌ها طی سالیان اخیر تحت فشار مردم کشورهایشان بوده‌اند. با توجه به این ویژگی، اعضای شورای همکاری خلیج فارس و در راس آن عربستان این بیم را احساس

می‌کنند که با سقوط حکومت آل خلیفه، حکومت آل سعود نیز سقوط کند و یا حداقل با چالشی جدی مواجه شود (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۳۲). بر این اساس عربستان، حفظ رژیم آل خلیفه را اولویت استراتژیک خود تعیین کرده است و با گسترش بحران در این کشور به گسیل نیروهای نظامی امنیتی خود برای سرکوب شیعیان بحرینی اقدام کرد. نظامیان بحرین، عربستان و امارات متحده دست به کشتار مردم زدند. در جریان این حوادث بسیاری از مردم عادی کشته، زخمی و یا دستگیر و مفقود شدند. در پی سرکوب خشن معترضان شیعه و سنی همه نمایندگان شیعه پارلمان بحرین از سمت خود استعفا کردند.

۴. شورای همکاری خلیج فارس و بحران بحرین

شورای همکاری خلیج فارس با تأکید بر این هدف که کشورهای کوچک با پیوستن امکانات خود به یکدیگر بتوانند در مسائل امنیتی، بیش از پیش متکی به خود باشند، تاسیس شد. در مقدمه اساسنامه شورای همکاری از ارزش‌های مشترک، تشابهات نظام‌های سیاسی، بستگی دینی و سرنوشت مشترک دولت‌های عرب خلیج فارس سخن به می‌ان آمده است (www.gcc-sg.org). در اجلاسی که در سال ۱۹۸۱ در ابوظبی تشکیل شد همه کشورهای عضو تأکید کردند که مسئولیت حفظ ثبات و امنیت منطقه با کشورهای منطقه است. آنها مخالفت خود را با هرگونه دخالت خارجی، به‌ویژه حضور ناوگان خارجی و تاسیس پایگاه‌های خارجی در منطقه اعلام کردند. همچنین تأکید کردند، وجود شورای همکاری به منزله تهدیدکننده نظامی علیه هیچ کشور دیگری نیست. از جمله اهداف اصلی تشکیل چنین سازمانی، همکاری و حمایت متقابل اعضاء در مقابل تهدیدهای خارجی و هماهنگی سیاست‌های دفاعی بین اعضا است (بخشی، ۱۳۹۰: http://peace-ipsc.org/fa). با این حال دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس در سطوح نظامی، اقتصادی و سیاسی کارنامه‌ای آکنده از ناکامی دارند. اعضای این شورا فاقد سیاست خارجی واحدی بوده و تاکنون نیز به سیاست‌های مالی و اقتصادی واحدی دست نیافته‌اند؛ حتی اندیشه پول واحد را هم بارها به تأخیر انداخته و بر سر اتحاد گمرکی اختلاف نظر دارند. اغلب اختلافات مرزی نیز تاکنون لاینحل باقی مانده است. ساختارهای قبیله‌گرایانه و غلبه منافع افراد و خانواده‌های خاندان سلطنتی نقش مهمی در تشدید اختلافات مذکور دارند. (www.presstv.ir)

مهمترین محوری که نوع موضع‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در قبال تحولات منطقه پیرامون آن شکل می‌گیرد حفظ ساختارها و ترتیبات موجود منطقه در ابعاد گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی است. از این رو هر تحولی که برهم‌زننده وضعیت موجود تلقی گردد با واکنش این نهاد محافظه‌کار عربی روبرو خواهد شد. نمونه بارز آن قیام مردم بحرین علیه خاندان آل خلیفه بوده است. جدیت و قاطعیت سران شورای همکاری خلیج فارس در برخورد با خیزش‌های شیعی در یمن و بحرین در سال‌های گذشته و حال حاضر نشان می‌دهد که برخی کشورهای عضو به ویژه عربستان سعودی، شکل گرفتن کانون‌های مقاومت شیعی در منطقه را بسان بزرگترین تهدیدهای امنیتی انگاشته و سعی کرده‌اند تا با استفاده از اهرم‌هایی مانند بزرگ‌نمایی آنچه فتنه طایفه‌ای یا مذهبی خوانده می‌شود و نیز سیاست‌هایی نظیر ایران‌هراسی (به عنوان اصلی‌ترین منبع الهام جنبش‌های شیعی) عملکرد خود را توجیه نمایند. هرچند از ویژگی‌های سیاست خارجی شورای همکاری خلیج فارس، وجود اختلاف نظریین اعضا در مورد مسائل و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ با این حال، هنگامی که کشورهای عضو این شورا با تهدیدی مشترک مواجه شوند، انسجام و هماهنگی می‌ان آنها افزایش می‌یابد. از آنجایی که خیزش مردمی بحرین، بقای یکی از حکومت‌های شورای همکاری خلیج فارس را در معرض چالش قرار داد، اعضای این شورا به محوریت عربستان سعودی سعی کردند در قالب شورای همکاری خلیج فارس رویکرد یکپارچه، واحد و قاطعانه‌ای را در قبال بحران بحرین اتخاذ نمایند. واکنش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در قبال قیام مردم بحرین واکنشی تهاجمی و فعالانه بود و با توجه به افزایش نفوذ و تسلط عربستان سعودی در شورای همکاری خلیج فارس در مقطع کنونی، همگرایی و هماهنگی بین اعضا در مورد تحولات بحرین افزایش یافته است. بر این اساس با آغاز اعتراضات مردمی در بحرین، این شورا حمایت قاطعانه خود را از رژیم آل خلیفه اعلام کرد و مقامات کشورهای عضو به خصوص سعودی‌ها، بحرین را به عنوان خط قرمزی برای گسترش قیام‌های مردمی دانسته و بیان کردند که در صورت لزوم وارد عمل خواهند شد. اما مسأله‌ای که واکنش شورای همکاری را بسیار تشدید کرد، احساس تهدید شدید از امکان سقوط رژیم آل خلیفه بود، مسأله‌ای که می‌تواند ساختار حکومتی و ساختار قدرت در سطح منطقه را تغییر دهد. همچنین مجاورت جغرافیایی بحرین با این کشورها و احتمال سرایت اعتراضات به آنها

و به هم خوردن نظم و شرایط داخلی شورا در صورت سقوط رژیم آل خلیفه، پیامدهای منطقه‌ای نامطلوبی برای این کشورها خواهد داشت (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۷).

۵. تاثیر تحولات بحرین بر سیاست‌های سیاسی-امنیتی شورای همکاری خلیج فارس

علی‌رغم وجود تفاوت‌های غیرقابل‌انکار در ویژگی‌های کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، باید اذعان داشت این کشورها از ویژگی‌های مشترک بسیاری برخوردار هستند که باعث شده بتوان تاثیر تحولات بحرین را بر تمام این کشورها مشاهده کرد. در هر صورت تمام این کشورها از حکومت‌های پادشاهی و موروثی برخوردارند که در دوران جدید، عمر چنین حکومت‌هایی به سر آمده و مدل‌های دیگر حکومتی جای آنها را گرفته است. از این رو مشروعیت و مقبولیت این نوع حکومت‌ها در بین ملت‌ها از چالش‌های بسیاری برخوردار است. همچنین این کشورها کم و بیش دارای منافع یک‌سان در سیاست خارجی خود هستند که تحولات بحرین، این منافع را نیز با چالش مواجه کرد.

پس از گذشت بیش از سی سال از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، اکنون این شورا با خواسته‌های داخلی و منطقه‌ای روبرو شده است که می‌تواند در تهیه طرح‌های هم‌پیمانی برون‌مرزی و سیاست‌های داخلی تأثیرگذار باشد. از آغاز سال گذشته شورای همکاری بطور جدی کوشش کرد از رسیدن انقلاب‌های عربی به مرزهایش جلوگیری کند اما نتوانست انقلاب بحرین را سرکوب نماید. این امر به گسترش خطرات داخلی در شورا انجامید. با وجود دخالت عربستان برای سرکوب این انقلاب و اختصاص دادن ۲۰ میلیارد دلار برای کمک به بحرین، تهدید بروز انقلاب و یا ناآرامی همچنان در داخل این کشورها پابرجاست و شاید بتوان گفت که نشانه‌های روشن آن در کشورهای دیگر شورا بجز بحرین هم بسیار نمایان است. در خصوص تاثیر تحولات بحرین بر سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس، می‌توان به دودسته سیاست‌های امنیتی و سیاست‌های سیاسی-تبلیغاتی اشاره کرد.

۵-۱. سیاست‌های امنیتی شورای همکاری خلیج فارس

در عرصه امنیتی، مهمترین اقدام، ورود نیروهای شورای همکاری خلیج فارس به

بحرین با عنوان نیروهای سپر جزیره برای حمایت از رژیم آل خلیفه بود. بیش از ۱۰۰۰ نیروی سعودی و ۵۰۰ نیروی اماراتی به بحرین اعزام شدند، اما تعداد این نیروها حتی تا ۵۰۰ نفر نیز برآورد می‌شود. ورود این نیروها به بحرین در قالب موافقت‌نامه دفاع مشترک سپر جزیره اعلام شد و دبیرکل شورای همکاری بیان کرد حمایت و کمک کشورهای شورا از رهبری و مردم بحرین در راستای صلح و ثبات این دولت‌ها است. البته حضور نیروهای عربستان سعودی در بحرین بی‌سابقه نیست و در سال ۱۹۹۶ نیز نیروهای سعودی برای مقابله با اعتراضاتی مشابه، به بحرین اعزام شدند. با این حال، در آن مقطع نیروهای سعودی به طور کامل وارد خاک بحرین نشده بودند (www.bbc.co.uk).

از سایر رفتارهای امنیتی شورای همکاری خلیج فارس در قبال تحولات و قیام مردم بحرین می‌توان به اقدامات امنیتی کنترلی و محدودکننده‌ای اشاره کرد که در تمام کشورهای این شورا انجام داده‌اند و اغلب به عنوان سیاستی پیش‌گیرانه محسوب می‌شود. طرح اخراج اتباع کشورهای لبنان و سوریه از عربستان سعودی از سوی وزارت کشور عربستان، به خصوص تصمیم‌های کنترلی و امنیتی شورای همکاری که بخش عمده آن به ایران و اتباع آن معطوف است، در این راستا قابل ارزیابی است. اجلاس شورای همکاری خلیج فارس در ریاض در ماه مارس تصمیم‌های مهمی در این راستا از جمله تشدید مراقبتهای کنترلی در مرزها نسبت به تردد افراد به ویژه از سوی ایران، کنترل اتباع کشورهایمانند ایران، لبنان و سوریه و کنترل نهادها و مؤسسات مختلف اتخاذ کرد. علاوه بر این، گزارش‌هایی مبنی بر تصمیم شورای همکاری برای اخراج نیروی کار ایرانی انتشار یافت. (www.asriran.com).

در خصوص رویکردها و واکنش‌های امنیتی شورای همکاری خلیج فارس در قبال تحولات بحرین سه مؤلفه عمده تأثیرگذار بوده است. نخست، بخش عمده‌ای از اقدامات و رفتارهای امنیتی این شورا در جهت بازسازی وجهه، توانمندی و انسجام امنیتی آن بوده است تا بتواند برای مقابله با آسیب‌پذیری‌های داخلی در نتیجه جنبش‌های مردمی اخیر از نوعی انسجام و اعتبار برای اتخاذ اقدامات لازم برخوردار باشد. دومین مسأله، نگرانی‌های شدید اعضای شورا از تحولات و ضعف‌های درونی و تلاش برای کنترل شرایط و ممانعت از تحرکات سازمانه و بازیگرانی است که می‌توانند با بهره‌گیری از این ضعف‌ها به ایجاد بحران‌های وسیع درونی کمک کنند. سومین مؤلفه مهم در رفتارهای امنیتی شورای

همکاری نوعی تلاش برای برجسته‌سازی و گسترش ابعاد تبلیغاتی و رسانه‌ای مسائل و امور امنیتی برای معطوف کردن قیام مردمی و تحولات منطقه‌ای به عناصر خارجی و در نتیجه بسترسازی برای اقدام امنیتی در بحرین از جمله رفتار ذیل عنوان نیروهای سپر جزیره بوده است (اسدی، ۱۳۹۰: ۲۰).

۲-۵. سیاست‌های سیاسی-تبلیغاتی شورای همکاری خلیج فارس

رویکرد و اقدامات سیاسی-دیپلماتیک و تبلیغاتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در خصوص قیام مردمی بحرین بر دو مسأله اصلی متمرکز بوده است. یکی، تلاش برای نشان دادن تحولات به عنوان موضوعی گسترده و منطقه‌ای بین شورا و ایران و واقع، مطرح ساختن قیام مردمی در راستای اهداف و سیاست‌های ایران و دوم، مطرح ساختن قیام مردمی بحرین به عنوان قیام فرقه‌ای و شیعی به خصوص در عرصه تبلیغاتی و رسانه‌ای. همان‌گونه که تشریح شد، این محورها و اهداف از سوی حکومت آل خلیفه نیز مورد تأکید است و می‌توان شاهد نوعی انسجام و هماهنگی رفتاری بین شورا در قالب سازمانی آن و حکومت بحرین بود. این هماهنگی نیز عمدتاً از تسلط سیاست‌های عربستان سعودی در شورای همکاری و تبعیت ویژه آل خلیفه از سعودی‌ها ناشی می‌شود.

در عرصه رسانه‌ای و تبلیغاتی شبکه‌های رسانه‌ای شورا به خصوص دو شبکه اصلی العربیه و الجزیره در راستای اهداف و طرح‌های سیاسی این شورا سعی کردند تصویر خاص خود را از تحولات بحرین ارائه دهند. همان‌گونه که اشاره شد، وابسته نشان دادن اعتراضات به خارج و ایران همچنین شیعی و فرقه‌ای مطرح کردن اعتراضات، محور اصلی برنامه‌های رسانه‌ای بو. در واقع تحرک کشورهای شورای همکاری در بحرین و مطرح ساختن تهدید ایران و مقابله با معترضان و مخالفان بحرینی، همگی در چارچوب استراتژی تبلیغاتی شورا و به‌ویژه عربستان قابل تبیین است. پرداخت کم‌کهای مالی و سپس سرکوب، متحول ساختن تمرکز بر مطالبات معترضان به تهدید خارجی و مقاومت حداکثری در برابر فشارهای خارجی برای انجام اصلاحات و وادار ساختن کشورهای شورای همکاری به همراهی با استراتژی سعودی، جملگی از اجزای استراتژی نوظهور شورا می‌باشد. کشورهای عضو شورا سعی کردند تا با القاء این موضوع که اعتراضات در بحرین جنبه فرقه‌ای و منطقه‌ای دارد و به خصوص باعث گسترش نفوذ ایران در منطقه می‌شود، منابع بازیگران

منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی را برای حمایت از حکومت آل خلیفه بسیج نمایند و از این طریق بحران بحرین را مهار نمایند. این اقدام به خصوص در جهت افزایش حمایت غرب و به خصوص آمریکا از آل خلیفه و ممانعت از هر گونه دگرگونی سیاسی مهم در بحرین بود که تا حدی نیز موفق عمل کرد.

۶. مداخله شورای همکاری خلیج فارس در بحرین

باید اذعان داشت که بعد از تحولات اخیر در جهان عرب، بحرین در محور نخست جهان‌بینی سیاسی کشورهای شورای همکاری قرار گرفته و از جمله فوری‌ترین مسایل سیاست خارجی کشورهای شورای همکاری، حفظ امنیت و ثبات این کشور است، زیرا افزون بر قرار داشتن در محور نخست چیدمان سیاست خارجی امنیت محور شورای همکاری، بحرین از جمله کشورهای شورای همکاری است که از نظر امنیتی کاملاً به ریاض وابسته است. به علاوه بحرین به صورت دروازه‌ای ظاهر شده که دگرگونی‌های جهان عرب را وارد خلیج فارس می‌سازد؛ لذا بستن این دروازه برای مصون نگه داشتن محور نخست از نظر شورای همکاری ضروری است. تحركات مختلف شورای همکاری در بحران ۲۰۱۱ بحرین از این منظر قابل تبیین است. بحرین بلافاصله پس از سقوط مبارک در مصر، به دروازه ورود دگرگونی‌های مردمی جهان عرب به کشورهای محافظه‌کار خلیج فارس تبدیل شد. این دروازه البته پیش از تسری دگرگونی‌ها به سایر کشورهای شورای همکاری، بسته شد. خاندان آل خلیفه به دو جناح طرفدار مدارا و گفتگو با مخالفان و طرفدار سرکوب آنان تقسیم می‌شوند که در رأس جناح می‌ان‌هرو و گفتگوطلب آن، پادشاه و ولیعهد بحرین قرار دارند. اما جناح خواستار سرکوب که در رأس آن نخست وزیر این کشور قرار دارد، با «امیر نایف» ولیعهد متوفی عربستان، و جناح سرکوب‌گر آل سعود روابط نزدیکی داشته و از آغاز بحران خواستار سرکوب معترضان بودند. باتوجه به این دو جناح، نخست وزیر قطر برای حل اوضاع بحرین، پیشنهادی چهار ماده‌ای ارائه داد. متقاعد کردن شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه، نخست وزیر بحرین به کناره‌گیری از سمتش یک سال بعد از امضای توافقنامه آشتی ملی بین شیخ حمد شاه بحرین و معارضان شیعه

بحرینی از جمله مفاد طرح پیشنهادی شیخ حمد بن جاسم آل ثانی^۱، نخست وزیر و وزیر امور خارجه قطر است. علاوه بر این معارضان شیعه بحرینی لازم است که از درخواست خود برای تشکیل نظام مشروطه سلطنتی در این کشور صرف نظر کرده و به درخواست برای اصلاحات بویژه درباره فعالیت سیاسی و انتخابات بسنده کنند.

این طرح پیشنهادی تأکید می‌کند که اگر نخست وزیر بحرین از کناره‌گیری خودداری کند، در آن صورت اعضای شورای همکاری خلیج فارس نشست‌های فوری را برای حمایت از شاه بحرین و ولیعهد وی برگزار خواهند کرد. همچنین وجود توافق از پیش صورت گرفته با سعودی‌ها امری ضروری برای گام برداشتن در زمینه اجرای مفاد بالا دانسته شده است. اولویت‌های پیشنهادی، لازم است که به سعودی‌ها امکان ایفای نقش فعالی را در اداره امور امنیتی و نظامی در بحرین بدهد و در مقابل آنها نخست وزیر بحرین را به کناره‌گیری از قدرت متقاعد کنند که با روند اصلاحات در بحرین مخالفت نکند.

برای شورای همکاری، امنیت و ثبات در بحرین از جنبه‌های متعددی حایز اهمیت است. پشتیبانی از رژیم حاکم بر بحرین به معنای حمایت از تمامی پادشاهی‌های خلیج فارس، فرستادن پیامی روشن به جمعیت شیعی خویش و مهار نفوذ ایران در خلیج فارس می‌باشد (Ottaway, 2011). هم‌چنان‌که آنتونی کردسمن^۲ می‌نویسد: «عربستان سعودی پل ملک فهد میان بحرین و سرزمین سعودی را بیشتر برای تضمین امنیت این جزیره در برابر شورش‌های داخلی و تهدید مورد ادعای ایران ساخت» (Cordesman, 2011). با این حال سعودی‌ها به دلیل تمرکز بر احتمال تسری گسترده اعتراضات به درون عربستان، به مدت سه هفته از آغاز بحران بحرین، در آن مداخله نکردند. در این می‌ان گزارش‌هایی در ارتباط با اولتیماتوم عربستان به حکومت بحرین، منتشر شد. بر مبنای این اولتیماتوم، سعودی‌ها دو هفته به پادشاه و ولیعهد بحرین فرصت دادند تا بحران را از طریق گفتگو با مخالفان مرتفع سازند. اما سپری شدن این دو هفته و عدم رسیدن به توافق، موجب مداخله شورای همکاری و عربستان می‌شود. مداخله در بحرین به وضوح استراتژی کشورهای شورای همکاری را به نمایش می‌گذارد. پس از بی‌ثمر ماندن مشوق‌های شورای همکاری برای رفع بحران بحرین و ساکت کردن معترضان، مداخله در چارچوب نهادی

1. Hamad bin Jassim bin Jaber bin Muhammad Al Thani
2. Anthony H. Cordesman

شورا آغاز می‌شود و ادعای تهدید ایران علیه بحرین مطرح و در رسانه‌های عربی پررنگ می‌شود. به علاوه مداخله در بحرین اصولاً برای رویارویی با خواست تغییر معترضان صورت می‌گیرد. البته برخی برآنند که نیروهای بحرینی توان سرکوب اعتراضات را داشتند، زیرا بحرینی‌ها اصلاً از نیروهای ضدشورش خود بهره نگرفتند، اما اعزام نیروهای سپر جزیره به اصرار عربستان و با هدف ارسال پیام‌هایی به رقبای منطقه‌ای ایران صورت گرفت. (احمدیان، ۱۳۹۱: ۸۹). پس از گذشت روز خشم عربستان و نیز پایان اولتیماتوم مورد ادعا، نیروهای عربستان و امارات، زیر چتر شورای همکاری خلیج فارس، وارد بحرین شده و به سرکوب معترضان پرداختند. در این میان سعودی‌ها با تکیه بر رسانه‌های منطقه‌ای خویش و در راستای توجیه مداخله سپر جزیره، بحرین را مورد تهدید مداخله ایران نشان می‌دادند و ورود نیروهای سپر جزیره به بحرین را بر این مینا توجیه می‌کردند. این امر در راستای توجیه حقوقی ورود نیروها به بحرین صورت می‌گرفت، زیرا بنا بر اساسنامه سپر جزیره، اعضا تنها در برابر تهدید خارجی مجوز مداخله به سود کشور مورد تهدید را می‌یافتند. اما کویت اعلام کرد به دلیل عدم وجود تهدید خارجی، حاضر به اعزام نیرو نیست و قطر و عمان نیز در این مداخله شرکت نکردند. بدین ترتیب مبنای حقوقی مورد ادعای عربستان برای مداخله در بحرین، به نوعی از سوی برخی اعضای شورا رد شد.

۷. تاثیر تحولات بحرین بر ساختار شورای همکاری خلیج فارس

۷-۱. شورای همکاری، امکان یا امتناع کنفدرالیسم عربی

بحث اتحاد میان کشورهای خلیج فارس به یک موضوع اساسی برای بسیاری از تصمیم‌گیران سیاسی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تبدیل شده است. عربستان سعودی به بحرین و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پیشنهادی مبنی بر تشکیل اتحادیه داده است. پیشنهادی که بیش از آن که بوی اتحادیه از آن استشمام شود، از نگرانی عربستان سعودی از بهم‌خوردن موازنه و تعادل محیط پیرامونی و خود حکایت دارد. اعلام الحاق مجمع‌الجزایر بحرین به عربستان در چارچوب طرح کنفدرالیسم عربی پس از شدت تحولات، در منابع سیاسی و رسانه‌ای انعکاس پیدا کرده است. این ابتکار که از سوی خاندان حاکم بحرین طرح‌ریزی شده، بیانگر نگرانی آل خلیفه از بروز تغییر واقعی در این کشور است. در همین راستا افزایش تبادل پیام‌ها بین پادشاه بحرین

و همتای سعودی خود حکایت از آن دارد که طرفین درباره چارچوب کنفدرالیسم به توافق رسیدند. مداخله عربستان در بحرین تحت عنوان نیروهای موسوم به سپر جزیره، عربستان را به فکر ایجاد کنفدرالیسمی متشکل از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به مرکزیت عربستان انداخته است. شورای همکاری خلیج فارس وارد بررسی پروژه‌ای شد که براساس آن شورای همکاری یک سیاست واحد در تمامی زمینه‌های سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی با توجه به استقلال و تمامیت ارضی کشورهای عضو اتخاذ کند تا بتواند در برابر آنچه ادعای نفوذ روزافزون و تهدیدهای امنیتی ایران گفته شده، ایستادگی کند. ولی مسئله این است که آیا زمینه‌های لازم برای تشکیل چنین اتحادیه‌ای وجود دارد؟ آیا مسئله کنفدرالیسم با آرام‌شدن تحولات همچنان در دستور کار کشورهای عضو شورا قرار می‌گیرد؟

پس از تحولات اخیر منطقه به‌ویژه در بحرین و تهدیدهایی که برخی کشورهای منطقه خلیج فارس مدعی بودند که از نفوذ ایران متوجه آنهاست، بسیاری از رهبران کشورهای عضو شورای همکاری به فکر تشکیل مجموعه‌ای بر اساس کنفدرالیسم افتادند تا به زعم آنها بتوانند در برابر تهدیدهای موجود بایستند. این اتحادیه فقط در بحث‌های امنیتی متمرکز نخواهد شد، بلکه تمامی زمینه‌ها، به ویژه بخش‌های مشترک کشورها را نیز شامل می‌شود. در سال‌های گذشته مطالبات بسیاری برای تاسیس چنین منظومه‌ای وجود داشت، اما حوادث اخیر بحرین باعث شد تا تقاضا برای تاسیس منظومه کنفدرالیسم دو چندان شود. براساس این پروژه کشورهای شورای همکاری نظامی کنفدرال را در پیش می‌گیرند که بر اساس آن سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی واحدی اتخاذ می‌شود که برای همه کشورهای عضو شورا لازم الاجرا است که به زعم آنها می‌تواند استقلال و تمامیت ارضی آنها را تضمین کند. در همین رابطه قرار است سپر دفاع جزیره، که نیروی واحد شورا محسوب می‌شود و برای نخستین بار در تاریخ شورای همکاری در تحولات بحرین وارد عمل شد، وظیفه دفاعی شورا را بر عهده بگیرد و در حکم نیروهای ضربتی در منطقه وارد عمل شود. قرار است اختیارات و امکانات بیشتری در اختیار این سازمان نظامی قرار داده شود تا در برابر هر گونه تهدید منطقه‌ای و بین‌المللی بتواند فوراً وارد عمل شود. اما مسئله این است که بسیاری از کارشناسان معتقدند که زمینه‌های لازم برای ایجاد چنین نهادی وجود ندارد و در برخی موارد حتی اختلاف‌ها به اندازه‌ای گسترده است که امکان

ایجاد چنین اتحادیه‌ای را غیرممکن می‌سازد (کرمی، ۱۳۹۱).

بحرین بیش از هر کشوری اصرار دارد که اتحادیه کنفدرالی تشکیل شود. به گونه‌ای که مجلس نمایندگان آن در یک نشست فوق‌العاده طرح کنفدرالیسم شورا را تصویب کرد. در بیانیه مجلس ملی بحرین آمده است: «بحرین موقعیت استراتژیکی دارد، از ثروت‌های طبیعی بسیاری برخوردار است و مرکز مالی منطقه محسوب می‌شود از این رو مورد طمع دیگر کشورها است، علاوه بر آن خطرهای امنیتی بسیاری آن را تهدید می‌کند. از آن رو که بحرین، کیان شورای همکاری به حساب می‌آید، منامه بسیار اصرار دارد که اتحادیه کنفدرالیسم فوراً تشکیل شود تا بتواند در برابر این تهدیدها بایستد» (www.irandiplomacy.ir) ماهیت این اتحادیه هنوز مشخص نیست، اما وزیر اطلاعات بحرین، سمیرا رجب‌ا، در گفتگویی بیان نمود که این اتحادیه مدلی از اتحادیه اروپا خواهد بود. کویتی‌ها در رأس معترضان به کنفدرالیسم و حتی افزایش اعضای شورای همکاری هستند. کویت کشوری است که حداقل دموکراسی در آن رعایت می‌شود ولی در دیگر کشورهای عضو شورا چنین چیزی حاکم نیست. یا مثلاً در امارات متحده عربی سیستم باز اقتصاد جهانی حاکم است و همه مراودات بانکی و بین بانکی آن کاملاً براساس اقتصاد باز است، در حالی که در عربستان سعودی تلاش می‌شود که مراودات اقتصادی همگی منطبق با اصول شرع باشد؛ در این صورت چگونه می‌توان برای کل اعضای شورا یک نسخه پیچید؟ در هر صورت می‌توان گفت ایجاد کنفدرالیسم عربی بیشتر مورد اهتمام کشورهای است که از تغییر در جوامع خود و رسیدن بهار عربی نگرانند. بر کسی پوشیده نیست که پیشنهاد تشکیل اتحادیه از سوی عربستان به دیگر کشورهای عربی، بیم از رسیدن مرحله تغییر به جوامع کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است. ایجاد کنفدرالیسم با عربستان یا دیگر کشورهای عربی برای یکپارچه شدن، اقدامی در جهت تهدید مخالفان بحرینی یا قرار دادن آنها در برابر مجموعه‌ای بسیار بزرگ از اهل تسنن در منطقه می‌باشد. این طرح شامل یکپارچه کردن سیاست‌های امنیتی، دفاعی و خارجی است، به صورتی که یک وزارت امور خارجه برای سازماندهی روابط شورای همکاری با دیگر کشورها ایجاد می‌شود، و هر کدام از کشورهای عضو فقط یک سفارتخانه در کشورهای دیگر خواهند داشت، و پاسپورت تهابی یکپارچه برای همه شهروندان کشورهای عضو اختصاص می‌یابد. ایجاد

کنفدرالیسم برای کشورهای شورای همکاری در چارچوب دغدغه‌های بحرین و عربستان و تا حدودی امارات مطرح شده است، اما با توجه به عدم توافق کشورهای عضو این شورا، عربستان نمی‌تواند زمینه را برای ایجاد آن فراهم کند. مطرح شدن کنفدرالیسم نتیجه اتفاقات اخیر بحرین و نگرانی‌های ناشی از آن است. تا قبل از این نه حرفی از کنفدرالیسم بود و نه حرفی از اعضای جدید. تحولات اخیر بحرین موجب شد تا این مسئله با شتاب بیشتری مطرح شود. اما آنچه که مشخص است، این است که هر گونه طرح امنیتی در قالب اتحادیه و کنفدرالیسم بدون مشارکت سایر کشورهای خلیج فارس چون ایران و عراق که از وزن قابل توجهی برخوردارند، موفقیت طرح را با تردید روبرو می‌سازد و نه تنها نمی‌تواند کمکی به بهبود ثبات در منطقه کند، بلکه زمینه‌های تنش را نیز افزایش می‌دهد، به خصوص اینکه با توجه به سیاست خارجی ایران که خواهان ایجاد فضای تعامل بهتر با همه کشورها است، نمی‌توان با تحرکات فردی کشورهای عضو شورای همکاری به فکر تاسیس چنین اتحادیه‌ای افتاد.

۲-۷. شورای همکاری خلیج فارس و طرح باشگاه پادشاهان

رسیدن خیزش‌های مردمی به بحرین و کشورهای شورای همکاری، این کشورها را نسبت به دو موضوع حساس کرد؛ مسئله اول اینکه ایالات متحده آنها را مانند تونس و مصر تنها خواهد گذاشت، به خصوص که ایالات متحده می‌بایست از بین ارزش‌ها (دموکراسی، آزادی) و منافع خود (نفت و پایگاه‌های نظامی) یکی را انتخاب کند. مسئله دوم، اینکه روند فعلی که در جریان است دیر یا زود منجر به سقوط حکومت‌های پادشاهی می‌شود. بنابراین شورای همکاری خلیج فارس، بلافاصله در صدد برآمد تا نسبت به تهدیدات ایجاد شده، به اتخاذ راهکارهای جدید بپردازد. مجموع مواضع شورای همکاری در قبال خیزش‌های عرب باعث شده تا از تشکیل جبهه‌ای با عنوان باشگاه سلطنتی ضدانقلاب به رهبری عربستان نام برده شود. بنابر این پیشنهاد، باشگاه در صدد عضوگیری جدید و توسعه جغرافیایی انسانی و امنیتی خویش برآمده است. عربستان به دو کشور اردن و مراکش پیشنهاد داده تا به شورای همکاری خلیج فارس بپیوندند. هدف از این پیشنهاد بسیار واضح است. عربستان قصد دارد نظام‌های پادشاهی عربی را در مقابل موج خیزش‌های مردمی حفظ کند و از توان آنها برای هم‌افزایی و تکامل امنیتی و پرکردن شکاف‌های اقتصادی یکدیگر استفاده

کند. پیشنهاد پیوستن مغرب و اردن به شورای همکاری خلیج فارس، علی‌رغم اینکه این کشورها در خلیج فارس واقع نشده‌اند، حکایت از نگرانی پادشاهی‌های عربی و به خصوص عربستان سعودی در مقابل درگیر شدن یکی از اعضا در خیزش‌های مردمی اخیر است. دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس به اعراب و جهان اعلام کردند که پادشاهی یک شکل پایدار از حکومت در منطقه است و از آنجایی که آنها با تهدیدهای مشابهی مواجه هستند که وضع موجود را به چالش می‌کشد؛ بنابراین باید با یکدیگر متحد شوند. به نظر می‌رسد که این تحولات باعث بهم نزدیک شدن و اتحاد صفوف داخل شورای همکاری و وحدت تازه در می‌ان آنها شده است. آنچه برای عربستان به عنوان مهمترین عضو شورا در عرصه روابط خارجی مهم بوده، حفظ ثبات منطقه‌ای در راستای حفظ ثبات داخلی است. این تاکید را می‌توان بخشی از ویژگی کلی و همیشگی سیاست خارجی دولت سعودی به حساب آورد. سعودی‌ها هم در سطح منطقه و هم در سطح حکومتی، از بی‌نظمی و آنچه قابل پیش‌بینی نیست، به شدت دوری می‌جویند.

عراق و یمن نیز تلاش دارند به شورای همکاری بپیوندند که تاکنون با عضویت آنها موافقت نشده است. موافقت با انضمام اردن و مراکش پس از درخواست‌های رسمی پادشاهان این دو کشور از شورای همکاری خلیج فارس حاصل شده است. به اعتقاد آنها این دو کشور پس از آن که شاهد خیزش‌های مردمی در منطقه شدند، برای این که بتوانند حکومت‌های پادشاهی خود را از فروپاشی احتمالی نجات دهند تقاضای عضویت در شورای همکاری دادند. البته این رویکرد ظاهراً دو طرفه است. یعنی این که کشورهای شورای همکاری نیز احساس مشابهی دارند و برای این که بتوانند خود را از گزند انقلاب‌های مردمی که سراسر منطقه عربی را در بر گرفته، نجات دهند به فکر گسترش و توسعه شورا و یافتن هم‌پیمانان جدید افتاده‌اند. به‌ویژه این که جبهه اعتدالی منطقه پس از انقلاب تونس و مصر فروپاشیده و کشورهای به جا مانده از جبهه اعتدال خود را تنها و بی‌پشتوانه احساس می‌کنند. در عین حال انضمام کشورهای مراکش و اردن از زاویه امنیتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. کارشناسان امنیتی و نظامی معتقدند که تجربه امنیتی و نظامی اردن و مراکش از عوامل پذیرفتن آنها در جمع کشورهای شورای همکاری است. در حالی که مردم کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس عموماً و تا حد نسبی از رفاه برخوردارند، کشورهای اردن و مراکش که از توان اقتصادی پایین، توسعه اقتصادی

کم و رفاه عمومی پایینی برخوردارند، ممکن است به وضعیت اقتصادی و رفاهی کشورهای این شورا ضربه بزنند. مصر و تونس به‌رغم رقابتی که با عربستان سعودی، کشور کلیدی شورای همکاری داشتند، اما از حامیان اصلی شورای همکاری محسوب می‌شدند. به ویژه در بحث‌های امنیتی و جنگ با تروریسم که سبب شده بود تونس مقر دائمی وزرای کشور اتحادیه عرب از جمله شورای همکاری خلیج فارس و قاهره مرکز رایزنی‌های دیپلماتیک جامعه عربی شود.

نتیجه

در دهه اخیر، تحولات و روندهای مهم بین‌المللی که تأثیرات شگرفی بر اکثر مناطق جهان داشته است، بر کشورهای خلیج فارس نیز مؤثر بوده است. با وجود برخی ویژگی‌ها و مسایل سنتی و ساختاری در مورد کشورهای عربی خلیج فارس، روندها و شرایط نوین جهانی، مسایل داخلی و سیاست خارجی این کشورها را حداقل در بخش عمده‌ای از جنبه‌ها تحت تأثیر قرار داده است.

با آغاز اعتراضات در کشورهای عربی، تسری این موج به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پیش‌بینی می‌شد. با این حال به دلیل برخورداری اکثر این کشورها از توان مالی بالا، شیوه‌ی مقابله‌ی آنها با اعتراضات متفاوت از کشورهای غیر رانتیر بود. عربستان از جمله کشورهایی بود که تجمعاتی اعتراض‌آمیز به خود دید. رژیم سعودی با آمیزه‌ای از رشوه و سرکوب، توانست بر خطر گسترش و فراگیری این تجمعات فائق آید. با این حال در کشورهای اطراف عربستان، قیام‌های مردمی تأثیرات ژرفی بر نظام‌های بحرین و یمن گذاشت و ریاض از ترس تسری این دگرگونی‌ها به خاک خود، به مداخله در بحرین و طرح ابتکاری برای مرتفع ساختن بحران در یمن پرداخت.

در واقع دو دوره‌ی مشخص در تعامل عربستان با اعتراضات خاورمیانه قابل تفکیک است: نخست دوره‌ای که عربستان در قبال بحران مصر واکنش نشان می‌داد و در تلاش بود از گسترش اعتراضات داخلی جلوگیری کند؛ و دوم دوره‌ای که ریاض فعالانه برای مقابله با قیام‌های عربی در کشورهای همجوار وارد عمل شد. مداخله در بحرین، ابتکار شورای همکاری برای یمن و طرح پیوستن اردن و مراکش به این شورا در راستای استراتژی در حال ظهور عربستان برای مقابله با قیام‌های عربی صورت گرفت.

با توجه به اینکه جهت‌گیری‌های آمریکا و عربستان نسبت به تحولات در برخی از کشورهای عربی منطقه در تناقض است، این احتمال وجود دارد که این استراتژی نوین ریاض، موجب تقابل عربستان با سیاست‌های اتخاذ شده از سوی واشنگتن در برخی از کشورها شود. ایالات متحده به وضوح در سخنرانی می ۲۰۱۱ اوپاما در مورد «بهار عربی»، از سیاست پیشین خود - که در ژوئن ۲۰۰۹ در قاهره مطرح شد و بر مبنای آن ایالات متحده دستورالعمل آزادی بوش را کنار گذاشت - به سود قیام‌های عربی که این بار در جهت منافع واشنگتن ارزیابی می‌شود، عبور کرد. این امر می‌تواند موجب چالش جدید در روابط با ایالات متحده شود. این چالش و برونداد آن می‌تواند تأثیر منفی بر روابط دیرپای واشنگتن - ریاض بگذارد و این امر احتمالات چندی را پیش‌روی چینش و توازن نیروها در خاورمیانه آینده قرار می‌دهد. طبعاً این تضاد استراتژیک بین دو متحد دیرین - به رغم تلاش بسیار دو طرف - نمی‌تواند برای مدتی طولانی مخفی باقی بماند. با بروز این اختلافات، آینده روابط واشنگتن - ریاض طبعاً متفاوت از گذشته آن خواهد بود.

بحران بحرین پس از بیداری اسلامی باعث تغییرات ساختاری در شورای همکاری خلیج فارس از جمله بحث افزایش اعضای آن و همچنین تغییر سیاست‌های سیاسی - امنیتی برای کنترل و حفظ وضع موجود در آن کشور شد. این مسئله مداخله نظامی در بحرین را به دنبال داشت تا بتواند با سرکوب جنبش مردمی بحرین مانع سقوط نظام پادشاهی محافظه کارانه در آن کشور شود. *

کتابنامه

منابع فارسی

- احمدیان، ح. (۱۳۹۱). عربستان سعودی و قیام ملت‌های عرب؛ رویکردها و چالش‌ها. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. بازیابی شده از: http://www.csr.ir/fa/moaven_siasi (دسترسی ۱۳۹۴، ۱۲ اسفند).
- اسدی، علی اکبر. (۱۳۹۰). «رفتارشناسی بازیگران تحولات بحرین»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۲ (۱). صص ۲۵-۱۲.
- بخشی، ج. (۱۳۹۰). بررسی برنامه‌های امنیتی شورای همکاری خلیج فارس از ابتدای تشکیل تا کنون. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC. بازیابی شده از: http://peace-ipsc.org_fa (دسترسی ۱۳۹۵، ۱۰ خرداد).
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. (۱۳۸۸). کتاب سبز بحرین. فاضلی‌نیا، نفیسه. (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از جمهوری اسلامی. قم: انتشارات موسسه شیعه‌شناسی.
- کرمی، ک. (۱۳۹۱). عربستان و طرح باشگاه پادشاهان. خبرگزاری بین‌المللی کرد پرس. بازیابی شده از: <http://kamrankarami.persianblog.ir/post> (دسترسی ۱۳۹۵، ۱۲ خرداد).
- میررضوی، فیروزه و بهزاد احمدی لفورکی. (۱۳۸۳). راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- نیاکویی، سیدامیر. (۱۳۹۰). «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، فصلنامه روابط خارجی، ۳ (۴). صص ۲۷۶-۲۳۹.

هاشمی نسب، سیدسعید. (۱۳۸۹). «بحران بحرین»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ۲ (۵). صص ۱۹-۳۸.
روزنامه ایران. ش ۲۴۲۷. ۱۳۸۲.

منابع انگلیسی

- Aclimandos, T. (2013). Revolutions, le réveil du monde arabe. *Le monde diplomatique*, 19, Septembre, pp.29-54.
- Allison, M. (2010). *U.S. and Iranian strategic competition: Saudi Arabia and the Gulf States*. Center for strategic and International studies. December 6. Available at: <http://www.csis.org/burke/reports>, (accessed on 2015, Dec 24).
- Cordesman, A. & Al-Rodhan, K. (2006). *The Gulf Military Forces in an Era of Asymmetric Wars*. Center for Strategic and International Studies. Arleigh A. Burke Chair in Strategy. Available at: http://csis.org/files/media/isis/pubs/060728_gulf_iran.pdf. (accessed on 2014, Feb 2).
- Lakehal, M. (2011). *Les Arabes libérés des dictatures ont besoin de déconstructeurs-reconstructeurs*. *Moyen-Orient* n° 10 mars. pp.94-132.
- Massiah, G. (2011). *Les insurrections révolutionnaires : cinq premières leçons*. 25 mai. Available at: www.cetri.be/spip.php?article2202. (accessed on 2014, Nov 8).
- Ottaway, M. (2011). *Bahrain: Between the United States and Saudi Arabia*. Carnegie Endowment for International Peace. Available at: <http://www.carnegieendowment.org/2011/04/04/bahrain-between-united-states-and-saudi-arabia>. (accessed on 2012, Dec 19).
- The CIA world factbook**. (2008). Available at: <http://www.cia.gov/library>. (accessed on 2011, May 21).

www.gcc-sg.org
www.presstv.ir
www.bbc.co.uk
www.asriran.com
www.irandiplomacy.ir



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی